



کارگر

کارگران! دستیابی به حقوق ما،
در همبستگی ماست

ارگان نشراتی انجمن اجتماعی کارگران افغانستان

ص ۱

سرطان ۱۳۸۸

شماره اول - سال اول

زمینه پیدایش طبقه کارگر

طبقه کارگر

طبقه کارگر یک اصطلاح اقتصادی است، یعنی، کتله های عظیمی از افراد بشر که در پروسه تولید فعالند؛ اما خود فاقد وسایل تولید، مجبور بفروش نیروی کار خویش و در فرآورده های تولیدی فاقد سهم میباشند؛ در افغانستان اصطلاح کارگر و مفاهیم کارگری در اوایل نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی در مطبوعه دولتی و دستگاه های تولید باروت، در دوران امیرشیرعلیخان نطفه بست. پس از سال ۱۹۱۹ میلادی این پدیده نو ظهور پاپیای رشد صنایع، تجارت و سایر سکتورها با افت و خیز جان گرفت. و در دهه دموکراسی ظاهرشاه تبارز سیاسی - اقتصادی خویش را در جنبش های خود بخودی مخصوصاً در ثور ۱۹۶۱ در راه پیمایی کارگران تحصنات گاز و نفت شیرغان و پیوستن گارگران نساجی پلیخمیری، کارگران قند بغلان و کارگران قوای کار به این مارش بزرگ بسوی کابل، منحنیث یک طبقه اعلام کردند. پس از سقوط جمهوری محمد داوود یعنی در جریان سه دهه جنگ این طبقه صدمات سختی را بر پیکر خویش دید: کارگران در هردو طرف جنگ جان سپردند، از حقوق خویش

این طبقه در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹، در وجود صنایع بزرگ و نیاز به بازار های بزرگ، هستی و معنا یافت. مامای این طبقه، دقیقاً انقلاب صنعتی انگستان بوده است. یعنی، در قرن ۱۸ سنگ زغال به وسعت استخراج گردید؛ آهن به پیمانانه وسیع ذوب شد؛ موتور بخار اختراع، کشتی های بزرگ به ابحار رفتند؛ خشکه امریکا و راه بحری دور افریقا کشف شده، اروپایان به بازارهای هند و چین دست یافتند. وسایل تولید کالایی و مبادله آن تعمیم یافتند. با این تحولات تجارت، دریا نوردی و صنایع توسعه و تکامل بیسابقه ای یافتند. به ادامه، با ایجاد شدن راه آهن و بکار افتادن لکوموتیو، در ساحات وسیع، جای کار با دست انسان در کارگاه ها و مانوفکتور، به کار ماشین های اتوماتیک در کارخانه های بزرگ خالی گردید؛ نیروی کار ده ها میلیون انسان به کالا بدل شد و کارگر پرزه ای شد از ماشین در پروسه تولید. در این جریان از یک طرف کارگر با نیروی فروخته شده و فرآورده های خویش بیگانه شد و از طرف دیگر بدون وجود کارگر حیات نظام سرمایه داری نا ممکن گردید. بطور خلاصه، طبقه کارگر فرزند عصر جدید، زاده نظام سرمایه داری و صنایع مدرن است.

مفهوم کارگر چیست؟

کارگر مزدور بگير دنیای امروز است؛ یعنی انسانی که برای زندگی کردن، جز فروش نیروی کار خویش وسایلی در اختیار ندارد. این انسان مجبور است هر روز نیروی کار خویش را بفروشد. در این مناسبات، یعنی بین فروشنده و خریدار، این مهم نیست که فرد نیروی کار خویش را در فابریکه بفروش رساند یا در مزرعه؛ در ساختمان یا در معادن؛ در تجارت یا در خدمات عامه؛ در آموزش یا پرورش؛ در ایجاد یک طرح یا در سرودن یک پارچه شعر برای دریافت مزد؛ مهم این است که نیروی کار فروشنده به کالا مبدل شود و در پروسه تولید ارزش اضافی بیافریند.

دانشمندانی که در رابطه با مفهوم "کارگر" تحقیقات عمیق و صایب دارند، در آثار آلمانی، انگیسی و روسی خویش بجای کلمه کارگر که دری است دقیقاً کلمه پرولتر را بکار برده اند؛ برعکس مترجمانی که آثار این دانشمندان بزرگ را ترجمه کرده اند، بجای کلمه پرولتر کلمه کارگر را بکار گرفته اند؛ یعنی مفهوم کلمه پرولتر همان مفهوم کلمه کارگر است. دقیقاً از لحاظ آگاهی، تشکل پذیری و انضباط، بین کارگرانیکه در صنایع بزرگ مصروف کار اند و کارگرانیکه به روی مزرعه و یا جاده سازی کار میکنند تفاوت وجود دارد، ولی در ماهیت امر هر دو گروه کارگر و یا پرولتر اند.



محروم شده کشور را ترک کردند و یا در داخل کشور بیکار مانده به مشاغل دیگر پرتاب شدند. ولی بهر شکل خلاف تحلیلگران کوتاه بین در شناخت از مفهوم طبقه کارگر، این طبقه نابود نگردید و به حیانتش در ساحات مختلف تولیدی و تجارت (در داخل و خارج کشور) ادامه داد؛ و اکنون (۲۰۰۹) بیشتر از زمان قبل از جنگ، کارگران افغانستان طبقه ایست رشد یابنده و چشمگیر.

کارگران نیروی کار خویش را قرض میفروشند.

مرام نشراتی کارگر

دردنیای امروز مطبوعات و نشرات بمثابه یک اسلحه و قوه بسیار مهم و تعیین کننده عمل میکنند؛ اما در افغانستان بعلت حاکمیت رژیم های غیر دموکراتیک و عدم حق تشکل برای طبقه کارگر، نبود آزادی های سیاسی در مجموع، کارگران افغانستان چه از لحاظ تشکیلاتی - سیاسی - اجتماعی و چه از لحاظ فرهنگی و آگاهی در حد تأسف آور به حاشیه رانده شده و از همه حقوق مشروع شان که در قوانین ملی و بین المللی تثبیت اند، عملاً محروم و سرکوب شده اند.

بناءً همانگونه که ایجاد تشکل کارگران جهت اتحاد شان در ساحه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این طبقه از حیاتی ترین مساله بشمار میرود، داشتن ارگان نشراتی منظم و پویا در دفاع از حقوق کارگران و بلند نمودن صدای همیشه خفه شده آنان در کنار صدها نشریه غیر کارگری نیز از ضرورت های مبرم و بنیادی بحساب میآید.

نشریه کارگر مصمم است تا با کار و تلاش خستگی نا پذیر بتواند در روشنگری کارگران افغانستان و بیان آلام آنها و واضح ساختن خط روشن جهت غلبه به نابسامانیها و پراکندگی طبقه کارگر سهم ارزنده ایرا ایفاء نماید. نشریه در کنار تشریح محرومیت ها و بدبختی ها میخواهد وسایل و طرق بیرون رفت را نیز برای این طبقه روشن سازد. لذا نشریه کارگر، از همه کارگران، روشنفکران مترقی و دوستان طبقه کارگر صمیمانه تقاضا مینماید، تا در غنای این نشریه و نشر منظم آن ما را همکاری مادی و معنوی نموده رسالت طبقاتی و انسانی خویش را اداء نمایند.

استراتژی انجمن اجتماعی کارگران افغانستان

ایجاد همبستگی، بیداری شعور سیاسی - اجتماعی، ارتقاء آگاهی حقوق صنفی و رفاه اجتماعی کارگران افغانستان.

اهداف انجمن کارگران

- ۱) دفاع از منافع مادی و معنوی کارگران در سکتور های دولتی و سکتورهای خصوصی.
- ۲) دفاع از صحت و سلامت کارگران در محیط کار.
- ۳) طرح و دفاع از مقدار مزد لازم کارگران مطابق توان خرید.

- ۴) طرح و دفاع از بیمه صحتی کارگران.
- ۵) دفاع از خواست کارگران بدون مسکن
- ۶) تلاش برای کربایی و مبارزه علیه اخراج اجباری کارگران از کار.
- ۷) دفاع از خواست کارگران برای محیط سالم زیست در ساحه کار و ساحه زندگی.
- ۸) مبارزه علیه کار انسان زیر سن ۱۸ و محور زمینه های آن.
- ۹) تدویر سمینارها، کنفرانسهای حقوقی، تحقیقاتی، اجتماعی و اقتصادی در رابطه به حقوق و وضعیت عینی کارگران.
- ۱۰) برگزاری روزهای مهم جهانی.
- ۱۱) دفاع از صلح پایدار.
- ۱۲) مبارزه علیه تولید، قاچاق و استعمال مواد مخدر.
- ۱۳) مبارزه علیه تبعیض در کار زن و مرد
- ۱۴) مبارزه در راه همبستگی کارگران (زن و مرد).
- ۱۵) دفاع از خواست کارگران در رابط با آموزش و پرورش کارگران و خانواده های کارگری، در ساحه مسلکی، سواد و علوم.
- ۱۶) دفاع از امتیازات مثبت برای کارگران زن.
- ۱۷) سعی در تحقق کلیه مفردات قانون بین المللی کار، در رابطه با کار کارگران.
- ۱۸) دفاع از حقوق کارگران در رابطه با رخصتی ها، تفریح و سایر سهولت های قانونی.
- ۱۹) تحقق ۸ ساعت کار در هر ۲۴ ساعت و پرداخت اضافه کاری در اضافه از ۸ ساعت کار.
- ۲۰) دفاع از حق معلولیت و تلف شدن احتمالی کارگران در جریان کار، مطابق قانون.
- ۲۱) دفاع از حقوق باز نشستگی کارگران.

پیشینه تشکلهای کارگری در افغانستان

در این سرزمین جنبشها و نهاد های کارگری جسته و گریخته، باآنکه در حد نیم قرن سابقه داشته و در مقاطع معین (دهه دموکراسی) دارای گذشته پرافتخار اند؛ ولی این نکته قابل یادآوریست که: اتحادیه پوشالی زمان اشغال کشور بوسیله ارتش متجاوز روسها، هرگز در خدمت صنف این طبقه نبوده؛ بلکه کارگران این خاک در آن زمان فقط حیثیت هیزم سوخت متجاوزین محاسبه میشدند. از اینرو انجمن کارگران افغانستان که فقط و فقط یک تشکل صنفی است، با استفاده از تجارب گذشته، سوای منافع صنف کارگران و اعتلای هرچه سریعتر رفرفرمهای اساسی و پایه گرفتن نهادهای دموکراتیک به نفع این طبقه، با هرگونه گرایشات منفی و بیگانه گرایی و ضد بشری مقاطعه خواهد داشت.

در اروپا و امریکای شمالی پس از قرن ۱۸ جنبش کتله های کارگری در حرکت جهان بسوی تمدن و ایجاد فرهنگ عالی بشری، نقش ارزنده ایرا ایفا نموده اند. مثلاً در برخی از پیشرفتهای اساسی جهان، نظیر: مدرنیزه شدن هرچه بیشتر صنایع، ظریف شدن روند کار، فراوانی انواع فرآورده های تولیدی، معیشتی، و علمی؛ چون: (خوراک، پوشاک، خانه، ادویه، وسایل طبی، ماشینهای عظیم الجسه، وسایل کار و حمل و نقل، شاهراه ها، وسایل برقی، ذره وی، فضانوردی، کیهان شناسی و نظایرش) باید مدیون جنبش های این

طبقه بود. اما کارگران فقط مولدین نعمات و تکامل دهندگان زندگی مادی نبوده اند؛ بلکه این طبقه برای دستیابی به حقوق مدنی - سیاسی خویش بصورت رسمی؛ مانند: حق رای، حق انتخاب، حق ایجاد اتحادیه ها و احزاب، حق اعتصاب، حق نظاهرات، حق ۸ ساعت کار در یکشنبه روز، و یافتن جایگاه خویش منحیث یک طبقه در قوانین ملی (قانون اساسی افغانستان) و قوانین بین المللی (کنوانسیونها، اعلامیه جهانی حقوق بشر و سازمان بین المللی کار)، مبارزه طولانی و مشکلات عدیده ایرا پشت سر گذاشته؛ تا در کنار سایر شهروندان به این حقوق مسلم صنفی خویش دست یافته اند.

ضرورت به تشکل کارگران در افغانستان

در سال ۲۰۰۱ نظامیان ۳۷ کشور غربی بر ویرانه های افغانستان پیاده شدند. و دولت متحجر طالبان را سقوط دادند. میلیاردها دالر (نقدینه)، هزاران نوعی از کالا با ارزشهای مبادله ای و مصرفی، تکنالوژی برقی، چاپی و مخابراتی با سیستم بازار آزاد وارد افغانستان گردیدند؛ کمتر از ۲۰ بانک تجدید سازمان یافته و یا تازه ایجاد شدند؛ چند هزار شرکت خرد و بزرگ داخلی و خارجی تولیدی و تجارتي باز سازی و یا جدیداً به فعالیت آغاز نمودند؛ در کنار این همه، پول های هنگفتی که در جریان جنگ نزد افراد معینی تراکم یافته بود بصورت نقدینه برای سرمایه گذاری وارد بازار شده؛ میلیون ها نیروی کار انسانی بکالا بدل شده، زمین مخصوصاً در حومه شهرهای بزرگ از شکل ملک به شکل ثروت درآمده و اقتصاد محلی ورشکستگی خود را اعلام کرده است. روستا ها از لحاظ اقتصادی به شهرها و شهرهای بزرگ از نگاه اقتصاد به سرمایه جهانی گره خورده اند. از اینرو اکنون حقایق در افغانستان چنان هستند که: اگر کسی قبول داشته باشد یانه، نظام سرمایه داری در حال رشد بوده و نظام قرون وسطی را به سوی آخرین پناه گاه تاریخش تعقیب مینماید. اما یاد آوری این نکته نیز لازم است که: نظام قرون وسطایی تا هنوز جان نسپرده میتواند در ساحات مختلف مخصوصاً در روستاها، در ساحه فرهنگ و تفکر به مقیاس کشور، به حیاتش ادامه دهد، که چیززیست طبیعی.

با اشاره به تحولات فوق، اکنون در افغانستان، مناسبات بین کار و سرمایه مناسبات حاکم، سمت دهنده و مناسبات بین دهقان و مالک زمین در موقعیت تابع آن درآمده است؛ در روستاها میلیونها دهقان از زمین های خود کنده شده به شهرها روی آورده؛ بناءً شهرهای بزرگ، چون: کابل، هرات، مزار، پلخمری، جلال آباد، کندز و... بشکل بیسابقه ای وسعت یافته؛ این نیروهای فاقد وسایل تولیدی که در حومه های شهرها سکتا و جبراً محکوم به فروش نیروی کار خویش اند؛ اما منابع تولیدی افغانستان که سربهای داغ زمان جنگ را تاهنور بر سینه دارند، قادر به جذب این همه نیروی بیکار نیستند؛ بناءً این نیروها یا در چهارسوی شهرها روزها منتظر در یافت کار اند و یا از مرزها فرار نموده داخل خاک کشورهای همجوار شده، زیر تعقیب قرار گرفته در برابر کارگران بومی تبعیض مبینند؛ و یا در جال قاچاقبران انسان افتاده در داخل کانتینرها

کارایی نماید.

با تأمین شدن زمینه کار، زمینه تأمین سایر حقوق کارگران آماده میگردد. هرگاه در کشوری حقوق صنفی کارگران فراهم آید، این طبقه به آینده خود و خانواده خود مطمئن شده بیشتر از پیش برای رفاه جامعه کار مینماید.

لذا انجمن میتواند منحصی یک نیروی هماهنگ و متشکل در زمینه شکل گرفتن حاکمیت قانون، ایجاد نهادهای دموکراتیک، تأمین حق آزادی بیان و سایر حقوق شهروندان اثرات مثبت و تعیین کننده خود را داشته باشد. جهت فایق آمدن به مشکلات فوق که دامنگیر طبقه کارگر افغانستان میباشد، شکل گرفتن انجمن اجتماعی کارگران افغانستان بنابر ماده ۳۵ قانون اساسی افغانستان، ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۸ کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۲۲ میثاق حقوق مدنی - سیاسی و متن قانون بین المللی کار، مشروعیت حقوقی خویش را کسب مینماید و در وزارت عدلیه رسماً ثبت گردیده است.

در این رابطه هیچ قانونی وجود ندارد. در افغانستان خلاف قوانین ملی و بین المللی، کار روی انسان زیر سن ۱۸ تا سن ۱۲ بدست جریان دارد؛ کارگران افغانستان از حقوق خویش کاملاً ناآگاه اند؛ کارگران افغانستان بدرستی درک نمیکند که هنگام مواجه شدن به مشکلات، به کدام اداره حقوقی مراجعه نمایند؛ کارگران افغانستان در جریان کار از طرف مخالفین دولت ربوده میشوند، اما هیچ مرجعی وجود ندارد که این قضیه را تعقیب نماید که سرنوشت این کارگران بکجا کشیده شد؛ در افغانستان تا هنوز روز کارگر به کارگران تعلق ندارد.

نکات فوق برای اینکه صنف طبقه کارگر بتواند به حقوق مدنی و معنوی خویش نایل آید، ضرورت به تشکل خویش دارد. زیرا با پراکندگی، کاری از دست کارگران ساخته نیست. اتحاد کارگران نه تنها به سود این طبقه است، بلکه میتواند در روند رو به رشد کشور سهم اساسی را ایفا نماید. کارگران با همبستگی خویش منحصی یک نیروی فشار بر دولت میتوانند از خارج شدن نیروی کار از کشور جلوگیری؛ زیرا دولت را وادار خواهند ساخت که برای کارگران بیکار

بصورت جمعی و یا در زندانها بصورت فردی جان میسپارند. لذا، کارگران افغانستان در داخل و خارج کشور با قید موجودیت برخی از قوانین، نظیر قانون اساسی، قانون مدنی و قانون بین المللی کار، در عمل از تأمین حقوق شان محروم اند؛ یعنی قوانین فقط روی کاغذ اند. مثلاً: تعداد کارگران بیکار و شاغل افغانستان تا هنوز محاسبه نشده است، دولت برای کارگران بیکار تا هنوز عملاً کاری دریافت نکرده است؛ قانون بیمه کار مخصوصاً در سکتورهای خصوصی و انفرادی وجود ندارد؛ در افغانستان اصل ۸ ساعت در هر شباروز تطبیق نمیشود؛ کارگران بخصوص در سکتورهای خصوصی و کار انفرادی از ده تا ۱۲ ساعت کار میکنند، ولی اضافه کاری ای دریافت نمیکند؛ بین کار زن و مرد تبعیض آشکار چشم میخورد؛ بسیاری از کارگران افغانستان در محیط ناسالم زیست کار مینمایند؛ کارگران و خانواده کارگران از هیچگونه تضمین آموزش و پرورش برخوردار نیستند؛ کارگران چه گروهی و چه انفرادی از کارهایشان جبراً اخراج میگردند؛ کار فرما بجای آنها کارگران با مزد ارزان را استخدام مینمایند؛ ولی

اداره

میشود؛ یعنی طبقه کارگر یگانه طبقه ایست در حال رشد و تکامل؛ بدین معنا که طبقه کارگر طبقه ایست طرد شده از کلیه طبقات دیگر، ازینرو برای اعضای این طبقه جایی برای تجزیه و فرار از جایگاه خویش وجود ندارد.

ولی مقامات دولتی تخار که نه از این تحول بزرگ در کشور درکی دارند و نه هم نیازمندیهای این طبقه را در نظر دارند؛ هیچ پلان و نقشه ای برای اشتغال یابی و یا جلوگیری از فرار این نیروی کار به خارج از کشور را، روی دست ندارند. در صورتیکه ولایت تخار دارای منابع بزرگ آبی چون رودخانه آمو، کوکچه و دریای تالقان بوده که با ایجاد یکی دو بند برق میشود به صدها هزار کارگر، کار مهیا گردد. منصور گزارش میدهد: کارگریکه افغانستان را بسوی ایران ترک میکرد در مقابل پرسشی که: چرا کشور را ترک میکنی و نیروی کارت را به بیگانگان میفروشی؟ گفت: در افغانستان کنونی نیروی کار من یک کالا است، تا هنگامیکه من این کالا را بفروش نرسانم نمیتوانم زنده بمانم. در افغانستان روزها بیکار میباشم کسی پیدا نمیشود تا این کالا را بخرد، پس جبراً کشور را ترک

بیداد فقر و بیکاری در تالقان

منصور خبرنگار نشریه "کارگر" از شهر تالقان و حومه آن گزارش میدهد که: حیات کارگران مزد بگیر را، در مستری خانه ها، در رستوران ها، در ماشینخانه های آرد، در ماشینهای تیلکشی، در مزرعه های درو گندم، در زمین های شالی کاری، در خدمات شهر داری، در شفاخانه و کلینیک ها، در خدمات معارف، در راه سازی، در نانوائی ها، در خدمات اداری، در حملی مندوی، در کان نمک تاقچه خانه، مرگ تدریجی تهدید مینماید. مزد روزانه یک کارگر در حد نازلی قرار دارد. مدت کار از ۸ تا ۱۲ و ۱۴ ساعت را احتوا مینماید. قیمت یک قرص نانی در حد یک پشقاب شیرینی خوری ۵ و ۱۰ افغانی است، کارگران نمیتوانند با خوردن از ۳ تا ۴ قرص آن شکم خود را حسابی سیر نمایند، وضعیت صحتی کارگران در حالت بدی قرار دارد. فیس داکتر در حد مزد روزانه یک کارگر و یا بیشتر از آن است. خانواده های کارگران اکثراً در مخروبه ها و زاغه نشین ها زیست دارند، از اینرو خانواده های این بردگان مزد بگیر به امراض گوناگون دچار اند؛ اما به نسبت نداشتن فیس داکتر و نسخه، قادر نیستند مریضان خود را تداوی نمایند و یا اطفاشان را به مکاتب بفرستند؛ لذا صدها کودک زیر سن ۱۲ و ۱۵ بانبیه های لاغر و چهره های سوخته، سرگرم دریافت یک شکم نان اند. انگار این کودکان از نسل بشر نیستند. وضعیت زیست این کودکان، ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر را که میگوید: "هر انسان آزاد بدنیا میآید" و نظام حاکم افغانستان که بخشی از نظام جهان سرمایه داری است و هر آن این ماده را بصفت پرچم آزادی بشر تکان میدهد؛ به سختی مسخره میسازد. خبرنگار کارگر مینویسد: در تالقان روستا ها دیگر قا در نیستند تا نیازمندیهای اقتصادی و اجتماعی دهقانان را مرفوع سازند و برای روستایان اشتغال بیآفریند؛ زیرا شیوه تولید روستایی که میراث نظام بویناک قرون وسطایی است ورشکستگی خود را اعلام کرده است. لذا، دهقانان کم زمین و بی زمین، روستاها را رها کرده، گروه گروه به شهرها رجوع مینمایند، شهر تالقان که یک شهر کوچک و غالباً از لحاظ کالاهای صنعتی شهر مصرفی است، ظرفیت پذیرش هجوم این همه نیروهای بیکار کار را ندارد، به این اساس، این نیروها روزها و هفته ها بیکار مانده در شهر سرگردان اند و یا شهر را بسوی کابل، مزار و یا خارج از کشور ترک کرده در دام قاچاقچیان انسان میافتند. کارگران افتاده در دام قاچاقچیان انسان، خرید و فروش شده، حیثیت اسپران جنگی افتاده بدست دشمن را دارند.

منصور میافزاید: در تالقان نظیر همه شهرهای افغانستان و روستاها، باگذشت زمان معین، کلیه طبقات و اقشار اجتماعی تجزیه شده بر طبقه کارگر افزوده



میگویم؛ وی افزود: همان سانی که سرمایه دار در فروش کالای خود وطن نمیشناسد و این را حق خود دانسته، هر آنجا که سودش بیشتر باشد کالایش را بفروش میرساند، منم جبراً در این موضع میافتم و کشور را ترک میگویم تا نیروی کارم به قیمت مناسب بفروش رسد. این کارگر ادامه داد: میدانم در رسیدن به ایران و سایر کشورها مشکلات مرگباری بر سر راه موجود است؛ من از اعدام شدن کارگران لغمان در سال گذشته بدست مخالفان دولت و در آتش سوختن ۴۶ کارگر در کانتینر قاچاقچیان انسان در کوئته پاکستان آگاهم؛ ولی چاره چیست برای ما کارگران مفهوم زندگی مرگ تدریجی در دوزخی بنام زمین است.

د کارگرانو او زیار کښانو یو موټی ټوب د هغوی ځلانده راتلونکی جوړوی

په افغانستان کې کارگران او زیار ایستونکي لکه د نړۍ د نورو برخو کارگرانو او زیار ایستونکو په څیر، سره ددی چې د هیواد په اقتصاد او تولید کې دروند او رڼه نقش لوبوی خو بیا د دی ټولو تولید شویو نعمتونو او ډروند لومړنیو امکاناتو څخه یې برخې ساتل شویدي.

د افغانستان د وگړو دغه لوی اکثریت نه یواځې دا چې لږ تر لږه د خپل کار او زیار مزد نه تر لاسه کوی بلکې، په ټولنه، د کار خای او دولتي او غیر دولتي ادارو کې ورته په سپکه سترگه کتل کیږي او له یو ډول ټولیز آپارتاید سره تل مخ دی.

په ټولنه کې د دوی اقتصادي بنکته او کم ځواکه موقعیت ددی لامل گرځي چې دغه لوی او خواری کښ اکثریت پرله پسې ډول د یو نسل څخه بل نسل پورې له نورو ټولنیزو، سیاسي، فرهنگي، صحی او تعلیمی حقوقو او امتیازونو څخه محروم پاتی شي.

اما ددغو ټولو اجتماعي، اقتصادي نابرابریو، توپیرونو او ظلمونو پر وړاندې مقاومت او پاڅونونه هم په مختلفو ډولونو کې لږ یا ډیر تل په تاریخ کې ځان ښکاره کړيدي.

که څه هم په ټولنه کې اجتماعي او اقتصادي نابرابری او توپیرونه خپل تاریخي عوامل لري او د تاریخ په اوږدو کې همدغه عوامل بیا د ټولنیزو نظامونو د بدلون او پرمختگ لامل هم گرځيدلي دي.

نو په دی اساس په افغانستان کې د کارگرانو او ټولو خواری کښو طبقو د کړاوونو لیست ښایي ډیر اوږد او بورنونوکی وي خو ځینو ته گوته نیول اړین گڼم:

- د کار او زیار په بدل کې د نسبتاً عادلانه مزد نه تر لاسه کول.
- د کار د خای غیر انساني محیط او چاپیریال (د لازم سهولتونو او ایمنی تجهیزاتو نشتوالی او هم د کار د څښتن او ادارې لخوا ناوړه او سپک چلند او له کار څخه د ایستلو گواښ).
- په ټاکلي وخت د معاش او حقوقو نه تر لاسه کول.
- د کور او سرپناه نه لرل او په دی برخه کې د اړینو آسانتیاو نشتوالی.
- د وزگار تیا په مهال د هیڅ ډول مرستې نشتوالی.
- د ژوندانه د لومړنیو توکو او اړتیاو عدم تعادل د معاش او مزد سره.
- د اقتصادي ناوړه وضعیت لکبله د یو کارگر او خواری کښ کورنی او اولادونه نشي کولای لومړنی زده کړی او لوړی زده کړی وکړي، درملنی ته لاس رسی ولري او په دولتي او قضایي ادارو کې یې څوک خبری واورې.

نو په دی توگه په افغانستان کې په تیرو اتو کالونو کې د کارگرانو او زیار ایستونکو په ژوند کې نه یواځې دا چې کوم مثبت بدلون نه دی راغلی بلکې د دولت او د هغوی بهرنیو پلویانو د نادرستو سیاستونو او خصوصي کولو پالیسي لکبله د کارگرانو بیکاری، د فقر کچه او د ژوندانه وضعیت لا پسي خراب شويدي.

یواځې د کابل ښار په لویو څلور لارو کې د سلهاو وزگارو کارگرانو ډلی او د پاکستان او ایران سفارتونو مخکې اوږده قطارونه دا جوته وي چې ددغو غولونکو ژمنو، مرستو، دموکراسي او پرمختگ معنی د عامو خلکو او کارگرانو لپاره څه ده. داسې یو دولت چې ټول چارواکي یې له سر نه تر پښو پورې په فساد، بدي او درغلي اخته وي، نشي کیدای چې کارگران او خلک ورته هیلمن واوسی او یا لږ تر لږه په راتلونکي کې ورځیني د رغیدني تمه وکړي.

د وروستيو کالونو تجربو وینودله چې دغه فاسد او بی کفایته دولت که څه هم خلکو ته یې څه خیر ونه رسيد بلکې حتی د خلکو شتمني یې تالان کړي

او د خولي نمری یې هم ورڅخه واخیستی. د ښاروالی د چارواکو او د پولیسو ناوړه او بیرحمانه چلند د ښار له کوچنیو هټیوالو، کراچی وانانو او لاس پلورونکو... سره هره ورځ یې هر څوک لیدلای شي.

د دولت چارواکي تر اوسه پورې ددغو وگړو لپاره هیڅ ډول پلان نلري او د دوی د ستونزو د لمنځه وړلو لپاره یې څه د پام وړ اقدامات کړي ندي. نو د پولیسو، ښاروالی او په مجموع کې د دولتي چارواکو ناوړه چلند ددی لامل شوی چې ددغو مظلومو وگړو لخوا مختلف اعتراضونه او لاریونونه په لاره واچول شي. خو داچې ددغو وگړو، کارگرانو او د ټولني د ټیټي طبقو اعتراضونه او خوځښتونه ولي مثبتې پایلې نه لري او څوک د دوی غږ نه اورې، یواځې د دوی د مشرتابه، ناهمغږی او یووالی نشتوالی څخه سر چینه اخلی.

د افغانستان د اساسي قانون له مخې د ټولني ټول وگړي د کارگرانو او خواری کښو په گډون حق لري چې اتحادیې، سازمانونه، ډلي او گوندونه جوړ کړي او سره خپل منځ کې راټول او یو موټی شي. د کارگرانو او زیار ایستونکو سره راټولیدل او یووالی دوی ته دا فرصت ورکوي چې د خپلو بېرنيو، لومړنیو او هم د ټولو مشروعو لنډمهالو او اوږد مهالو حقوقو او موخو څخه په اغیزمنه توگه دفاع وکړي او هغه تر لاسه کړي.

د نړۍ په پرمختللو هیوادونو کې د ټولنیزو پرمختگونو او ریفورمونو راتل او د نسبتاً عادلانه قوانینو او تضمینونو بنسټ د همدغو کارگرانو د کړاوونو ډکو مبارزو او قربانیو په نتیجه کې ایښودل شويدي.

نو د کارگرانو او زیار ایستونکو طبقو د مبارزې تاریخ او تجربې دا راښيي چې پرته د مبارزې او فشار، د قدرت په گدی ناست چارواکي او پانگوال هیڅ کله دی ته تیار نه دی چې د محرومو طبقو په گټه قوانین ومنی او عملی اقدامات وکړي او بالاخره دوی ته خپل مشروع حقوق ورکړي. نو په بشپړ ډول د کارگرانو او ټولو زیار ایستونکو طبقو ته دا اړینه ده چې که غواړي د ظلم او زجر پټی له خپلو اوږو څخه لیري کړي، توهین او تحقیر نشي او یو پتمن او انساني هوسا ژوند څښتن شي ښایي خپلو کې سره راټول شي، یو موټي شي او خپل مطالبات، غوښتنې او موخې په منظم ډول یوې څرگندی اډانه کې راوغاړي او د هغوی د تحقق لپارې چاری وپلټي او بیامومي.

څرنگه چې یادونه وشوه که څه هم ستونزې لا ډیرې دي خو څه نا څه بیا هم اوسنی قانون کارگرانو او زیار ایستونکو ته دا حق ورکوي چې د خپلو حقوقو د تامین لپاره خپل گډ غږ پورته کړي او مبارزه وکړي. پرته د گډ غږ او یو موټی ټوب څخه، خانځانې او خواری وری ناری او هلی خلی هیڅ گټه نلري او مقابل لوری کولای شي هغه په آسانی سره وځپي.

یواځې د ټولو کارگرانو او زیار ایستونکو او مظلومو وگړو یووالی او همغږی او د دوی آگاهانه خوځښت کولای شي د دوی د ځلانده بریاوو څخه ډک ژوند تضمین کړي. یواځې د دوی گډ غږیګون او پرگنیز فشار کولای شي چې واکمن د دوی مشروعو غوښتنو منلو ته اړیاسي او امتیازونه تر لاسه کړي او په دی توگه د خپلو بشپړو بریالیتوبونو په لور لار پرانیزي.

ځلانده

کارگرانو! زمونږ د حقوق تامین،

زمونږ په یووالی کې دي

صاحب امتیاز: انجمن اجتماعی کارگران افغانستان

مدیر مسؤل: شریفی

شماره تلفون: ۰۷۹۸۵۴۴۳۳۹

ایمیل آدرس: kargar_af09@yahoo.com

آدرس بانکي: عزیزى بانک، اکونت نمبر ۰۰۱۰۱۴۸۲۰۱۷۸۶۵